

Research Article

Religious and Islamic Beliefs in Military Khumsah with an Emphasis on the Holy Quran

Ashraf Naji¹, Reza Fahimi², Rahim Taher²

Abstract

Beliefs are a part of the general culture of the people, which includes religious, superstitious, medical, astronomical, etc. beliefs. With the advent of Islam, religious beliefs had a deep impact on various aspects of life, including culture and literature, and Muslim poets, relying on the Qur'an and religious teachings, reflected these beliefs in their works. Nizami is one of this group of poets who reflected Islamic and religious beliefs in his five works, namely Makhzan al-Asr, Khosrow and Shirin, Laili and Majnoon, Haft Pekar and Iskandarnamēh. Therefore, in this research, religious and Islamic beliefs are investigated in Khamsa Nizami. The working method in this research is descriptive-analytical based on library studies. The influence of religious and Islamic beliefs in Nizami's Khamsa shows that this poet was familiar with the Qur'an and the wave of Islamic beliefs and concepts of the Holy Qur'an is evident in all the masnavis of Khamsa.

Keywords: Islamic Religion, Holy Quran, Beliefs and Convictions, Islamic Beliefs, Military Khamsa

How to Cite: Naji A, Fahimi R, Taher R., Religious and Islamic Beliefs in Military Khumsah with an Emphasis on the Holy Quran, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;15(58):117-138.

1. Ph.D. Student, Department of Persian Language and Literature, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

باورهای دینی و اسلامی در خمسه نظامی با تأکید بر قرآن کریم

اشرف ناجی^۱، رضا فهیمی^۲، رحیم طاهر^۲

چکیده

باورها و اعتقادات، بخشی از فرهنگ عامه مردم است که باورهای دینی و مذهبی، خرافی، طبی، نجومی و ... را در بر می گیرد. با ظهور دین اسلام، باورهای مذهبی تأثیر عمیق خود را بر جنبه‌های مختلف زندگی از جمله بر فرهنگ و ادبیات بر جای نهاد و شاعران مسلمان با تکیه بر قرآن و آموزه‌های دینی این باورها را در آثار خود منعکس نمودند. نظامی از این دسته شاعران است که در خمسه خود، یعنی مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه، باورهای اسلامی و مذهبی را منعکس نموده است. از این رو در این پژوهش باورهای دینی و اسلامی در خمسه نظامی بررسی می‌شود. روش کار در این پژوهش توصیفی - تحلیلی براساس مطالعات کتابخانه‌ای است. تأثیر باورهای دینی و اسلامی در خمسه نظامی نشان می‌دهد که این شاعر با قرآن مانوس بوده و موج باورهای دین اسلام و مفاهیم قرآن کریم در همه مثنوی‌های خمسه مشهود است.

واژگان کلیدی: دین اسلام، قرآن کریم، باورها و اعتقادات، باورهای اسلامی، خمسه نظامی

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

مقدمه و بیان مسئله

نظامی شاعر توانای قرن ششم است که نظم داستان‌های بزمی و غنایی را به حد اعلای خود رساند. یکی از عوامل زیبایی و جذابیت خمسه او، توجه به باورها و آیین‌های مردم و انعکاس آن در این اثر است. انواع عقاید و باورهایی همچون: باورهای اسطوره‌ای و افسانه‌ای، مذهبی، خرافی، طبی، باورهای مربوط به جانوران و آداب و رسوم و آیین‌های گوناگونی چون ازدواج، پادشاهی، مرگ و سوگواری و... در منظومه وی مایه خلق تصاویر زیبا گردیده است. از آنجایی که نظامی شاعری مسلمان بوده و اوج توجه به باورهای دینی و اسلامی در اشعار وی دیده شده، جستار حاضر به بررسی این باورها در خمسه نظامی اختصاص یافته است. منظور از باورهای اسلامی در اینجا، باورها و اعتقادات اصیل قرآنی و دین اسلامی است که در قرآن آیاتی در تأکید آنها ذکر شده است.

پیشینه پژوهش

باتوجه به اینکه تاکنون پژوهشی که به‌طور اختصاصی به باورهای دینی و اسلامی در خمسه نظامی پرداخت، یافت نشده، لذا به چند نمونه از پژوهش‌هایی که مرتبط با این موضوع هستند، اشاره می‌شود: حمید متولی‌زاده نائینی (۱۴۰۰) در مقاله «نمود باورهای اسلامی در نقیضه جریر در ردّ اخلل با تکیه بر قرآن»، با مبنا قرار دادن آیات قرآن، به بررسی باورهای اسلامی در نقیضه جریر در ردّ اخلل پرداخت و به این نتیجه رسید که محور اندیشه‌های دینی جریر، اثبات یکتاپرستی و همچنین اثبات عزت مسلمانان و ذلت تغلبیان است؛ احسان نامدار جویمی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «مهارت‌های ارتباطی در سیره رضوی با التزام عملی به باورهای اسلامی»، نقش این مهارت‌های ارتباطی را با التزام عملی به آموزه‌ها و باورهای اسلامی در بین کارکنان دانشگاه سیستان و بلوچستان بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که هر چه فرد نسبت به اعتقادات اسلامی التزام بیشتری داشته باشد، دارای مهارت‌های ارتباطی بیشتری با دیگران است؛ علیجان کریمی (۱۴۰۰)، در پژوهش «راهکارهای تقویت باورهای دینی در جامعه از منظر قرآن»، اصولی را که باید از منظر قرآن کریم در تقویت باورهای دینی در نظر گرفت را بررسی نمود و دریافت که بیدارسازی فطرت، زیبایی و جذابیت، بیان رسا، آسان‌گیری و معرفت‌افزایی مهم‌ترین اصول تقویت باورهای دینی در دل‌هاست.

روش پژوهش

این مقاله جزء تحقیقات توصیفی - تحلیلی است. گردآوری داده‌های تحقیق با روش مطالعه کتابخانه‌ای و با بررسی اسناد و مدارک علمی انجام شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش به‌صورت کمی و کیفی خواهد بود؛ یعنی مبتنی بر توصیف و تحلیل است.

مبانی نظری پژوهش

باورها و اعتقادات

باور از (Belief) انگلیسی گرفته شده به معنی عقیده و باور است. (ر.ک: آریان پور و دیگران، ۱۳۸۵: ۲/۱۰۲) در تعریفی ساده «باورها و عقاید، اندیشه‌هایی است که انسان به حقانیت و درستی آن اعتقاد کامل دارد.» (پارسا، ۱۳۸۳: ۳۱۲) به عقیده کرچ (Kerch) و کرچفیلد (Kerchfield) «باور، سازمانی باثبات از ادراک و شناختی نسبی درباره جنبه خاصی از دنیای یک فرد است.» (روشیلوا و بورفیون، ۱۳۷۱: ۱۲۴) اعتقاد یعنی «چیزی را باور داشتن؛ به درستی چیزی ایمان داشتن» (عمید، ۱۳۷۴: ذیل اعتقاد) و در لغت‌نامه دهخدا به معنی تصدیق کردن و عقد قلب و دل بر چیزی بستن و بدان ایمان آوردن است. (دهخدا، ۱۳۶۱: ذیل اعتقاد) اعتقاد از ریشه عقد به معنی بستن، گره بستن و استوار کردن پیمان و عهد است. (ر.ک: حسینی زبیدی حنفی، ۱۳۸۵: ق: ۱۶/۱۸-۲۱۵) فولکلورشناسان بر این عقیده‌اند که پیدایش باورها و اعتقادات از نیاز طبیعی انسان به دانستن علل حوادث و پدیده‌های طبیعی به وجود می‌آید. چراکه مردم هر سرزمینی به دنیای اطراف خود و موجودات آن می‌نگرند و درباره آنها برداشت‌هایی می‌کنند.

باورهای دینی

دین در لغت به معنای جزا و پاداش و به معنای اطاعت و پیروی از فرمان نیز آمده است، و در اصطلاح، عبارت از مجموعه قواعد و قوانین و آدابی است که انسان در پرتو آنها می‌تواند به خدا نزدیک شود و به سعادت دو جهان برسد. (ر.ک: امامی، ۱۳۸۷: ۲۲۹) بنابراین اعتقاد دینی در اصطلاح، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت. اعتقاد و ایمان به وجود خداوند، عالم قیامت، رسالت پیامبران و امامت امامان معصوم و عدالت خداوند از مهم‌ترین ارکان اعتقادی از دیدگاه ما شیعیان است.

«دین در تعابیر قرآنی مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد.» (متولی‌زاده نائینی، ۱۴۰۰: ش: ۳۶۴)

باورهای دینی مجموعه اقدامات، رفتارها، باورها و نگرش‌هایی است که در ارتباط با اصول دین، فروع دین و دیگر حیطه‌های مرتبط با مذهب عنوان می‌شود. باورهای دینی به معنای خاص، همیشه باورهای مشترک جماعت معینی هستند که از گرایش خویش به آن باورها و عمل کردن به مناسک همراه با آنها، به خود می‌بالد. این باورها نه اینکه به عنوان امری فردی توسط همه اعضای جماعت پذیرفته شده باشند، بلکه در حکم امری متعلق به تمامیت گروه تلقی می‌شوند و جزئی از وحدت گروه را تشکیل می‌دهند. (ر.ک: دورکیم، ۱۳۸۳: ۷۲)

باورهای دینی و اسلامی در خمسه نظامی

قیامت

قیامت، روزی که بنا بر آموزه‌های اسلام تمام انسان‌ها به خواست الهی برای محاسبه اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند، در پیشگاه الهی جمع می‌شوند. در قرآن به برخی از نشانه‌ها اشاره شده است؛ از جمله: متلاشی شدن کوه‌ها (حاقه / ۱۴)، روان شدن دریاها (انفطار / ۳)، زلزله‌های عظیم و ویرانگر (زلزال / ۱-۲) تاریخ شدن خورشید (شمس / ۲-۱) تاریخ شدن ماه (مرسلات / ۸)، تاریخ شدن ستارگان (انفطار / ۲)، شکافتن آسمان (نبا / ۱۹)، دمیده شدن صور اسرافیل (زمر / ۶۸) که نظامی به نشانه‌ی اخیر اشاره کرده و گفته:

خیز و بفرمای سرافیل را
باد دمیدن دو سه قندیل را
(نظامی، مخزن الاسرار، ۱۳۷۸: ۲۶)

صور اسرافیل را صور قیامت نیز نامیده‌اند. در بیت زیر دمیدن در نای را به صور قیامت تشبیه کرده:

تیرره هم‌آواز شد با درای
چو صور قیامت دمیدند نای
(همان، شرفنامه: ۴۶۰)

در توصیف نبرد دارا و اسکندر، به دلیل سر و صدایی که به واسطه‌ی ابزار جنگ ایجاد شده، آن فضا را به لحظه‌ی قیامت و دمیدن صور اسرافیل تشبیه کرده که گویی زمین از هم پاره و تکه‌تکه می‌شود:

زمین گفتی از یکدگر بردرید
سرافیل صور قیامت دمید
(همان، شرفنامه: ۱۹۹)

در جایی دیگر، صدای شیپورهای جنگ را به صور اسرافیل تشبیه کرده:

شغ‌های شیپور از آهنگ تیز
چو صور سرافیل در رستخیز
(همانجا: ۱۳۳)

همه‌ی مسلمانان به حسابرسی اعمال در روز قیامت باور دارند. خداوند در قرآن می‌فرماید که در این روز به اعمال همه رسیدگی خواهد کرد: « قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ » (شعرا / ۱۳-۱۱۲) نظامی در مخزن الاسرار به این امر اشاره می‌کند و معتقد است حتی کوچک‌ترین اعمال انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هر جو و هر حبه که بازوی تو هست یکایک همه بر جای خویش
کم کند از کیل و ترازوی تو روز پسین جمله بیارند پیش
کم دهی و بیش ستانیت را با تو نمایند نهانیت را

(نظامی، ۱۳۷۸، مخزن الاسرار: ۴۶-۱۴۵)

بهشت

بهشت یا جنت، جایگاهی در جهان آخرت است که بندگان درستکار و سعادتمند در آن ساکن شده و از نعمت‌های الهی برخوردار می‌شوند. محل سکونت حضرت آدم و حوا، پیش از هبوط به زمین نیز بهشت آدم خوانده شده است. بیش از دویست آیه در قرآن و همچنین بسیاری از روایات معصومان، درباره بهشت و ویژگی‌های آن است؛ ویژگی‌هایی مانند اندازه و گستره و مکان، تعداد بهشت‌ها، انواع نعمت‌ها، اوصاف ثبوتی و سلبی نعمت‌ها و اشیای موجود در بهشت، غرض از آفرینش، ویژگی‌های بهشتیان، صفات و کارهایی که انسان‌ها را شایسته بهشت می‌کند، محرومان از بهشت و روابط ساکنان بهشت با یکدیگر.

بنا بر اعتقاد و باور مسلمانان بهشت جایی است که در آن انواع نعمت‌ها موجود است و هر کس هر آنچه بخواهد به راحتی در دسترسش قرار می‌گیرد.

در قرآن کریم نیز آیات بسیاری در وصف بهشت آمده است. «مثل الجنة التي وعد المتقون تجرى من تحتها الانهار» (رعد/۳۵) «مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير آسن» (محمد/۱۵) «اكلها دائم و ظلها» (رعد/۳۵) درختان و سایه‌های آن مانند میوه‌های همیشه‌گی است. (رعد/۳۵) نظامی با تکیه بر قرآن، در تشبیهات زیر از ویژگی‌های بهشت استفاده می‌کند:

بهشتی صفت هر چه درخواستند بران مانده خوان برآراستند

(نظامی، ۱۳۷۸، شرفنامه: ۴۱۰)

اباهای نوشین عنبرسروش خبر داده از خوردهای بهشت

(همانجا: ۲۹۲)

حتی در بیت زیر در توصیف ده، آن را در سرسبزی و آبادانی به بهشت تشبیه کرده:

دهی بیند آراسته چون بهشت سوادش پر از سبزه و آب و کشت

(نظامی، ۱۳۷۸، اقبالنامه: ۱۸۹)

رضوان به معنی نگهبان بهشت است که در قرآن به آن اشاره شده است. نگهبانان بهشت در آستانه ورود به آن بهشتیان سلام می‌دهند. (زمر / ۷۳) موکلین بهشت درحالی که بهشتیان را استقبال

می‌کنند به ایشان می‌گویند: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» شما همگی در سلامت مطلق خواهید بود، و جز آنچه مایهٔ خشنودی است، نخواهید دید. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۷ / ۴۵۱) نظامی در وصف غذاها از این مضمون بهره می‌گیرد:

گذشت از خورش‌های چینی سرشت که رضوان ندید آنچنان در بهشت

(نظامی، ۱۳۷۸، شرفنامه: ۴۰۹)

در سورة الرحمن از زرفرف سخن به میان آمده است. «مُتَّكِنِينَ عَلٰی زَرْفَرٍ خُضِرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ؛ در حالتی که بهشتیان (با حور العین) بر زرفرف سبز و بساط زیبا تکیه زده‌اند» (الرحمن / ۷۶)

زرفرف گذشته به فرسنگ‌ها در آن پرده بنموده آهنگ‌ها

(نظامی، ۱۳۷۸، شرفنامه: ۲۲)

طوبی «درختی است در بهشت که به هر خانه از اهل جنت شاخی از آن باشد و میوه‌های گوناگون و خوشبو از آن حاصل آید.» (سجادی، ۱۳۸۲: ۱۰۲۹) کلمهٔ طوبی در قرآن یک‌بار در آیهٔ ۲۹ سورة رعد ذکر شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هِيَ شَجَرَةٌ مِنْ جَنَّةٍ عَدْنٍ عَرَسَهَا رَبِّي بِيَدِهِ؛ طوبی درختی از جنت عدن است که خداوند آن را با دست خویش کاشته است.» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ق: ۲۴ / ۳۲۴) نظامی در شرفنامه از گستردگی این درخت در وصف احسان و بخشش بهره می‌برد و می‌گوید:

گر از نخل طوبی رسد در بهشت به هر کوشکی شاخ عنبر سرشت
رسد شرق تا غرب احسان او به هر خانه‌ای نعمت خوان او

(نظامی، ۱۳۷۸، شرفنامه: ۶۱)

در باورها و منابع اسلامی از چهار جوی در بهشت یاد شده که «این چهار جوی عبارت‌اند از: آب، شیر، شراب و غسل. انهار اربعة در قرآن کریم از جمله در سورة محمد، آیات ۱۶ و ۱۷ است.» (سجادی، ۱۳۸۲: ۳۱۷)

ز دوزخ مشو تشنه را چاره جوی سخن در بهشتت و آن چار جوی

(نظامی، ۱۳۷۸، اقبالنامه: ۲۵۰)

از دیگر نعمت‌های یادشده در بهشت حوران بهشتی است. «جمع کلمه احور و حوراء (مؤنث احور) این کلمه در فارسی به صورت مفرد به کار رفته و غالباً با الف و نون جمع فارسی جمع بسته شده است. معنی آن سیاه چشمان، زنان سیاه چشم، زنان بهشتی (به صورت جمع) اما همیشه مفرد و به معنی

سیاه چشم به کار می‌رود.» (سجادی، ۱۳۸۲: ۳۷۱) که در قرآن به مرواریدهای پنهان (واقعه/۲۳) و یاقوت و مرجان مانند شده‌اند (الرحمن/۵۸) و از ویژگی‌های آنان به باکره بودن (واقعه/۲۳) همسال (أتراب) (ص / ۳۲) «شوهردوست» (عُزْب) و «نارپستان» (كُوَاعِب) (واقعه/۳۷) اشاره شده است. همچنین واژه حور در اشعار و متون فارسی در ترکیب با واژگان دیگر (مثلاً حورپیکر، حورزاد، حورسرسشت، حورلقا، حورنژاد، حوروش) برای وصف زنان زیبارو به کار رفته است. نظامی نیز معشوق را در معنای استعاری حور نامیده است:

تا شب از دست حور می می خورد
وز می خورده خرمی می کرد
(نظامی، ۱۳۷۸، هفت‌پیکر: ۲۶۸)

و لعبتان را به حوران بهشتی تشبیه کرده:
اگر حور بهشتی هست مشهور
بهشت است آن طرف وان لعبتان حور
(همان، خسرو و شیرین: ۵۳)

که سبز پوشند:

چون ندید از بهشتیان دورش
جامه سبز دوخت چون حورش
(همان، هفت‌پیکر: ۲۱۴)

در قرآن به این سبزپوشی اشاره شده است: «عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ» بر اندام آنها [بهشتیان] لباس‌هایی است از حریر نازک سبز رنگ، و از دیبای ضخیم» (انسان / ۲۱) در باور عامه مردم فرشتگان سبزپوش هستند. چنان‌که این باور هنوز هم در بین مردم هست و رنگ سبز نماد تقدس است و برای افراد مقدس مانند پیامبران، امامان و امامزادگان، و همچنین مکان‌های مقدس مثل حرم‌های پیامبران و ائمه و بقاع متبرکه و حتی مساجد به کار می‌رود.

دوزخ و جهنم

جهنم یا دوزخ، جایگاه مجازات و عذاب کفار و مجرمان و ستمگران در قیامت است. کلمه جهنم ۷۷ بار در آیات مختلف قرآن کریم تکرار شده است؛ مانند: «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (انسان / ۱۴۰) و «وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (سجده/ ۱۳)

بر اساس منابع اسلامی و باور دینی عامه، دوزخ پر از آتش و حرارت است و بهشت سرسبز و پر از نور و روشنایی. خداوند در قرآن می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْيَبُ نَزَاةً لِلشَّوْىِ * تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّى؛ اما هرگز

چنین نیست. شعله‌های سوزان آتشی است تا سر و صورت و اندام پاک بسوزد. کسی را می‌خواند که از خدا رو گردانیده و با حق مخالفت کرده است» (معارج/ ۱۷ - ۱۵)

این باور دستمایه‌ای شده است برای نظامی در توصیفات و تشبیهاتی که ارائه می‌کند. در نمونه زیر راه بیابان را در گرمی و حرارت به دوزخ، و شهر سرسبز «لنگر بهشت» را به بهشت تشبیه کرده است:

از آن راه چون دوزخ تافته کزو پشت ماهی تیش یافته
درآمد به آن شهر مینو سرشت که ترکانش خوانند لنگر بهشت

و در جایی دیگر، در توصیف گرما و نور شعله‌های آتش چنین می‌گوید:

دوزخی و بهشتیش مشهور دوزخ از گرمی و بهشت از نور
(همان، هفت‌پیکر: ۱۳۹)

دو فرشته نگهبان و نویسنده اعمال ما

بنابر اعتقاد عامه مردم به هنگام تولد هر انسان، دو فرشته در سمت چپ و راست دوش وی فرستاده می‌شوند که تا پایان عمر مراقب او هستند و اعمال نیک و بد وی را ثبت می‌کنند. خداوند در قرآن به وجود این فرشتگان اشاره کرده است: اِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ * مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ؛ به خاطر بیاورید هنگامی که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسان هستند، اعمال او را دریافت می‌دارند. (ق / ۱۸ - ۱۷)

نظامی در مخزن الاسرار و اقبالنامه به این باور اشاره کرده است.

این دو فرشته شده در بند ما دیو ز بدنای پیوند ما
(نظامی، ۱۳۷۸، مخزن - الاسرار، ۴/۸۶)

که در پیکری کایزد آراستش فرشته بود بر چپ و راستش
(همان، اقبالنامه: ۴۵)

پیامبران

حضرت محمد (ص)

پیامبر اسلام (ص) انسان کامل و خاتم انبیای الهی است. نام محمد - پیامبر اسلام - در قرآن با عنوان محمد ۴ بار و با عنوان احمد ۱ بار آورده شده است. احمد در سوره صف آیه ۶ و محمد در سوره‌های آل عمران آیه ۱۴۴ و احزاب آیه ۴۰ و محمد آیه ۲ و فتح آیه ۲۹ آمده است. عباراتی چون رسول الله، الرسول، امی و غیره نیز در قرآن آمده است. و یک سوره هم به نام محمد در قرآن آمده است.

شق القمر، معجزه پیامبر است که در قرآن مجید، تنها در آیه دوم تا چهارم سوره قمر به این موضوع اشاره شده است. در این آیات چنین می‌خوانیم: «إِفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَ يُقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ وَ كَذَّبُوا وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَ كَلَّ أَمْرٌ مُّسْتَقَرٌّ؛ رستاخیز نزدیک گردیده و ماه شکافته شد و هنگامی که نشانه‌ای [و اعجازی] ببینند روی می‌گردانند و می‌گویند سحر شدیدی است، آنها [پیامبر و آیات او را] تکذیب می‌کنند و از هوس‌های خود پیروی می‌کنند و هر کاری محفوظ و ثابت می‌ماند [و جزای آن دامنگیر صاحبش می‌شود]». (قمر / ۴ - ۲) نظامی در هفت پیکر و شرفنامه به این معجزه پیامبر اشاره کرده و گفته است:

کرده ناخن‌برای انگشتش سیب مه را دو نیم در مشتش

(نظامی، ۱۳۷۸، هفت‌پیکر: ۸)

ستون خرد مسند پشت او مه انگشت‌کش گشته ز انگشت او

(همان، شرفنامه: ۱۶)

طبق باورهای مسلمانان پیامبر (ص) در روز قیامت از مسلمانان شفاعت می‌کند. طبق روایتی از امام صادق - علیه السلام - مقصود از «قدم صدق» در سوره یونس/۲، شفاعت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - در قیامت است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۸۴ ش: ۵ / ۱۳۴) نظامی نیز در شرفنامه آن حضرت را شفاعتگر روز بیم و امید، یعنی روز قیامت معرفی می‌کند:

ضمان‌دار عالم سیه تا سپید شفاعتگر روز بیم و امید

(نظامی، ۱۳۷۸، شرفنامه: ۱۵)

یکی از بحث‌های بسیار مهم مربوط به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بحث مربوط به معراج ایشان است که در قرآن کریم نیز مطرح شده است. «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ؛ پاک و منزه است خدایی که در (مبارک) شبی بنده خود (محمد) را از مسجد حرام (مکه معظمه) به مسجد اقصایی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساختیم، سیر داد تا آیات و اسرار غیب خود را به او بنماییم که او (خدا) به حقیقت شنوا و بیناست.» (اسراء / ۱) معراج پیامبر و اتفاقاتی که در این سفر برای آن حضرت روی داده است، دستمایه‌ای برای شاعران در ساختن مضامین متنوع شده که نظامی هم از این مورد بهره‌های فراوان گرفته و مضامین زیبایی خلق کرده است که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم.

در بیشتر روایات مربوط به سفر شبانه حضرت رسول (ص)، براق را مرکب آن حضرت از مکه تا بیت المقدس و برعکس و صعود به آسمان را از طریق معراج یا بر بال جبرئیل دانسته‌اند. (ر.ک: سیوطی، بی تا: ۱/ ۱۵۸) براق در ادب فارسی، چه در معنای اصلی چه در معنای استعاره‌ای (اسب، مرکب تندرو، مرکبی برای سفرهای روحانی)، استعمال شایع دارد. (دهخدا، ۱۳۶۱: ذیل براق) نظامی در هفت پیکر به معراج پیامبر با براق اشاره کرده است.

سربلندیش را ز پایه پست
گفت: بر باد نه پی خاکی

جبرئیل آمده براق به دست
تا زمینیت گردد افلاکی

(نظامی، ۱۳۷۸، هفت پیکر: ۹)

طبق باورها در معراج پیامبر جبرئیل و دیگر فرشتگان از همراهی با پیامبر (ص) بازماندند. نظامی نیز به این موضوع اشاره کرده و گفته که در آن شب معراج جبرئیل و اسرافیل نتوانستند تا انتهای این سفر روحانی با پیامبر همراه باشند.

پر جبرئیل از رهش ریخته
سرافیل از آن صدمه بگریخته

(همان، شرفنامه: ۲۲)

در توصیف پیامبر در شب معراج است که چشم او به هیچ سمت متوجه و متمایل نمی‌شد و تمام توجه او به ذات ذوالجلال بود. «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى» (نجم / آیه ۱۷)

چشم او را که مهر مازاغست
روضه‌گاهی برون ازین باغست

(نظامی، ۱۳۷۸، هفت پیکر: ۸)

حضرت آدم (ع)

آدم نخستین انسان بهشتی به فرمان خدا که با فریب ابلیس از میوه ممنوعه خورد و از فرمان خدا سرپیچی کرد و به دلیل این گناه از بهشت رانده شد. (ر.ک: اوشیدری، ۱۳۷۱: ۴۵۵) نام حضرت آدم - علیه السلام - ۲۵ بار در آیات قرآن کریم در سوره‌های بقره، آل عمران، مائده، اعراف، اسراء، کهف، مریم، طه و یس آمده است.

شجره ممنوعه یا درخت ممنوع درختی است که حضرت آدم و حوا زمانی که در بهشت ساکن شدند، به فرمان خداوند از خوردن میوه آن منع شدند، اما با وسوسه شیطان، آنان میوه درخت ممنوع را خوردند. به دلیل این نافرمانی از بهشت اخراج شدند. در قرآن در سوره‌های بقره / ۳۸-۳۵، اعراف / ۲۳-۱۹ و طه / ۲۲-۱۲۰ به داستان درخت ممنوع پرداخته شده، اما نوع درخت را مشخص نکرده

است. ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم این میوه را گندم دانسته است. (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۲ ق: ۱ / ۸۳) نظامی نیز در مخزن الأسرار گندم را میوه ممنوعه دانسته است.

قرص جوین می شکن و می شکیب تا نخوری گندم آدم فریب

(نظامی، ۱۳۷۸، مخزن الاسرار: ۷۲)

خداوند در آیات مختلف به داستان هبوط پرداخته است: «همگی (به زمین) فرود آید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود» (بقره / ۳۶) نظامی در اقبالنامه ضمن نعت پیامبر اکرم (ص)، به ماجرای هبوط اشاره می-کند:

گر آدم ز مینو درآمد به خاک شد آن گنج خاکی به مینوی پاک

(نظامی، ۱۳۷۸، اقبالنامه: ۸)

حضرت ابراهیم (ع)

حضرت ابراهیم (ع) یکی از پیامبران اولوالعزم است که در زمان پادشاهی نمرود به نبوت مبعوث شد و قوم بت پرست خود را به دین توحید دعوت نمود. حضرت اسماعیل و حضرت اسحاق (ع) فرزندان حضرت ابراهیم هستند. نظامی با استفاده از داستان ابراهیم و قربانی کردن اسماعیل، زلف و رخ و چشم و مژه معشوق را توصیف کرده است:

زلف ابراهیم و رخ آتشگرش چشم سماعیل و مژه خنجرش

(نظامی، ۱۳۷۸، مخزن الاسرار: ۶۵)

عنوان خلیل الله امتیازی است برای حضرت ابراهیم (ع) که در قرآن نیز به آن اشاره شده است که می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (نساء / ۱۲۵)

کاین مه زرین که درین خرگهست غول ره عشق خلیل اللهست

(نظامی، ۱۳۷۸، مخزن الاسرار: ۱۳۷)

«صُحُفٌ جَمَعَ كَلِمَةً صَحِيفَةً دَر لَفْتٍ بِه مَعْنَاىِ هِر چيز گسترده» (قرشی، ۱۳۷۱ ش: ج ۴ / ۱۱۱) یا «هر چیزی که بر روی آن می نویسند.» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۸۶ / ۹) می باشد. در قرآن و روایات، صحف به صورت کلی بر کتاب های پیامبران و بر برخی کتاب های خاص همچون قرآن و کتاب حضرت ابراهیم اطلاق شده است.

در آیه ۱۳۳ سوره طه، خداوند از کتاب‌هایی که بر انبیا نازل شده با تعبیر «صحف» یاد کرده است. (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳/۳۲۸) نظامی در شرفنامه ضمن به کار بردن صفت ایزدشناس برای حضرت ابراهیم از صحف آن حضرت یاد کرده است:

به صحف ابراهیم ایزدشناس کزان دین کنم پیش یزدان سپاس

(نظامی، ۱۳۷۸، شرفنامه: ۱۹۲)

نظامی در بیت زیر از ماجرای ذبح اسماعیل به فرمان خدا در آفرینش مضمون خویش استفاده نموده است. خداوند در سوره صافات / ۱۰۱-۱۰۷ به ماجرای ذبح اسماعیل اشاره کرده است:

گر تیغ روان کنی بدین سر قربان خودم کنی بدین در
اسماعیلی ز خود بسنجم اسماعیلیم اگر برنجم

(همان، لیلی و مجنون: ۱۳۴)

حضرت داوود (ع)

داوود از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بود. خداوند بر حضرت داوود کتاب زبور را نازل کرد. (نساء/ ۱۶۳) آیات و روایات صفات بسیاری را برای حضرت داوود نقل کرده‌اند. براساس قرآن حضرت داوود زبان حیوانات را می‌فهمید (نمل/ ۱۶) و خداوند به او حکومت و حکمت را عطا کرد و آنچه می‌خواست به او تعلیم داد. (بقره/ ۲۵۱) براساس قرآن، کوه‌ها و پرندگان نیز به همراه داوود تسبیح خداوند را می‌گفتند. (انبیاء/ ۷۹)

قرآن تصریح دارد که خداوند به داوود (ع) ساختن زره را یاد داد. (انبیاء/ ۸۰) نظامی نیز در اقبالنامه در ستایش ممدوح به این توانایی حضرت داوود اشاره می‌کند.

چو محمود با فر و فرهنگ و شرم چو داود ازو گشته پولاد نرم

(نظامی، ۱۳۷۸، اقبالنامه: ۳۰)

قرآن کریم سه بار از زبور یاد کرده و از برخی ویژگی‌های آن سخن گفته است. در آیات قرآنی تصریح شده است که زبور، کتاب داوود علیه‌السلام است. (نساء/ ۱۶۳) نظامی در بیت زیر اثر خود را به زبور تشبیه کرده و زبور را در معنای استعاری به کار برده است:

به داودی دلم را تازه گردان زبورم را بلند آوازه گردان

(نظامی، ۱۳۷۸، خسرو و شیرین: ۲)

حضرت سلیمان (ع)

سلیمان «نام پیامبری معروف پسر داود، داستان‌های مربوط به سلیمان فراوان است از آن جمله با بلقیس ملکه سبا، انگشتری سلیمان، تخت سلیمان، قالیچه سلیمان، سپاه جن و انس، و دانستن زبان پرندگان (منطق الطیر) و باد در حکم او، بسیاری از این داستان‌ها در قرآن کریم نیز آمده است؛ همچنین داستان سلیمان با نمل (مورچه) که در سوره نمل آمده و داستان ملکه سبا هم در آن سوره نقل شده است.» (سجادی، ۱۳۸۲: ۸۴۲)

خدای تعالی مُلکی عظیم به او داد، جن و طیر و باد را برایش مسخر کرد و زبان مرغان را به وی آموخت. ذکر این چند نعمت در سوره انبیاء/ ۸۱، نمل / ۱۶ تا ۱۸، سبا/ ۱۲ تا ۱۳ و ص/ ۳۵ تا ۳۹ آمده است. نظامی در مخزن الاسرار به ملک آن حضرت اشاره می‌کند.

ملک سلیمان مطلب کان کجاست ملک همان است، سلیمان کجاست؟

(نظامی، ۱۳۷۸، مخزن الاسرار: ۸۳)

و در توصیف انس مجنون با وحوش، مجنون را به سلیمان و وحوش را به بندگان و خدم سلیمان تشبیه می‌کند.

ایشان همه گشته بنده فرمان او بر همه شاه چون سلیمان

(همان، لیلی و مجنون: ۱۶۷)

باد برای سلیمان - علیه السلام - از جانب خدا مسخر شده بود: «ولسلیمن الريح عاصفة تجرى بامرہ الى الارض التی برکنا فیها...؛ و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم، که به فرمان او به سوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم جریان می‌یافت و ما از همه چیز آگاه بوده‌ایم.» (انبیاء/ ۸۱) نظامی با استناد به این آیه از باد سلیمان یاد می‌کند.

روزی از آنجا که فراغی رسید باد سلیمان به چراغی رسید

(نظامی، ۱۳۷۸، مخزن الاسرار: ۸۶)

خاک تو از باد سلیمان بهست روضه چه گویم که ز رضوان بهست

(همان: ۲۳)

از دیگر وقایع زندگی حضرت سلیمان، ماجرای آن حضرت با بلقیس ملکه سرزمین سبا است که خداوند در آیات ۴۴ - ۲۰ سوره نمل بدان اشاره کرده است. نظامی در مثنوی‌های خسرو و شیرین و هفت‌پیکر درباره ماجرای بلقیس و سلیمان چنین سروده است:

که این: بلقیس گشت و آن سلیمان

خبر دادند موری چند پنهان

(همان، خسرو و شیرین: ۱۱۷)

مرد آن تخت جز سلیمان نیست

تخت بلقیس جای دیوان نیست

(همان، هفت‌پیکر: ۱۶۲)

حضرت عیسی (ع)

حضرت عیسی بن مریم (ع) ملقب به مسیح، چهارمین پیامبر از پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت است. یکی از معجزات عیسی جان‌بخشی و زنده کردن مردگان است. خداوند در آیه ۴۹ سوره آل عمران به این معجزه حضرت عیسی اشاره می‌کند: «... وَأُخِيي الْمَوْتِي بِإِذْنِ اللَّهِ». نظامی در مدح اتابک اعظم نصره‌الدین ابوبکر بن محمد از این معجزه عیسی به صورت تشبیه استفاده کرده است:

به خُلُقِ چنین خلق را بنده کرد

چو عیسی بسی مرده را زنده کرد

(نظامی، ۱۳۷۸، شرفنامه: ۶۱)

لب چو مسیحا نفس زندگی

بوسه چو می مایه افکندگی

(همان، مخزن الاسرار: ۶۵)

شد مرده او دم مسیحی

جان زنده کنی که از فصیحی

(همان، لیلی و مجنون: ۱۳۸)

حضرت موسی (ع)

حضرت موسی - علیه السلام - یکی از پیامبران قوم بنی اسرائیل است. قرآن کریم حضرت موسی را یکی از پیامبران اولوالعزم معرفی نموده است. نام حضرت موسی علیه السلام در قرآن کریم، ۱۳۶ مرتبه آمده و فرازهای برجسته زندگی و دعوت حضرت موسی در ۳۶ سوره قرآن و در قالب حدود ۴۲۰ آیه بیان شده است. این مطلب نشان می‌دهد، که قرآن به عنوان کتاب کامل دعوت و انسان سازی و جامعه سازی به زندگی حضرت موسی توجه زیادی داشته است.

حضرت موسی (ع) پس از آنکه مدت تعهدش به حضرت شعیب در مدین پایان یافت، به همراه همسر، فرزند و اموال به سوی مصر رهسپار شد، راه را گم کرد. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۱۳ / ۱۶۷) و آتشی بر روی کوه دید و به آنجا رفت (طه / ۱۱ - ۱۰) در آنجا وحی بر او نازل شد و این آغاز بعثت

حضرت موسی(ع) بود. (طه/ ۱۳ - ۱۲) نظامی در اقبالنامه به کوه طور و ارتباط آن با حضرت موسی اشاره می کند:

وگر طارم موسی از طور بود سراپرده احمد از نور بود

(نظامی، ۱۳۷۸، اقبالنامه: ۹)

معجزه ید بیضا از جمله معجزات نه گانه حضرت موسی(ع) بوده است. قرآن در سوره های اعراف/ ۱۰۸، طه/ ۲۲، شعراء/ ۳۳، نمل/ ۱۲ و قصص/ ۳۲ به این معجزه اشاره کرده است: «اَسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَبِيكَ تُخْرِجُ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ؛ دستت را در گریبانت ببر تا بدون هیچ عیبی سفید و درخشان بیرون آید. (قصص / ۳۲) نظامی در تشبیهی که در بیت زیر آورده، آب را در روشنی و درخشندگی به این معجزه حضرت موسی مانند کرده است:

زرد قصب خاک به رسم جهود کآب چو موسی ید بیضا نمود

(نظامی، ۱۳۷۸، مخزن الاسرار: ۵۸)

خداوند در آیه ۱۴۳ سوره اعراف می فرماید: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ...؛ و چون موسی در موعدی که برای او مقرر کرده بودیم، آمد و پروردگارش با او سخن گفت، گفت: پروردگارا، خودت را به من بنمای تا به تو بنگرم. وحید دستگردی در توضیح این بیت از نظامی:

موسی از این جام تهی دید دست شیشه به کهپایه «ارنی» شکست

(همان، ۱۳۷۸، مخزن الاسرار: ۲۹)

می گوید: چون موسی خود را از جام قبول کوتاه دست دید، شیشه امید در کوه طور به سنگ زده ارنی گفت و لن ترانی شنید. همچنین اشارت است به قصه موسی که در مناجات سؤال کرد خدایا تو را خواب هست؟ جواب آمد دو شیشه بر دست گیر و بایست. پس خواب را مسلط کرد بر وی تا شیشه ها شکست و جواب خود را یافت.

گاو موسی منظور گاوی است که خداوند برای قوم بنی اسرائیل مشخص کرد تا آن را ذبح کنند و دم وی را بر مقتول بزنند تا زنده شود و شهادت دهد که قاتل که بوده؟ خداوند درباره مشخصات آن گاو می فرماید: باید ماده گاوی باشد که نه پیر و از کار افتاده و نه بکر و جوان. گاوی باشد زرد یکدست که رنگ آن بینندگان را شاد و مسرور سازد. (ر.ک: سوره بقره آیات ۹- ۶۸) نظامی در بیت زیر از هفت پیکر علت ارزش گاو موسی را در زرد بودن آن می داند.

نور شمع از نقاب زردی تافت

گاو موسی بها به زردی یافت

(نظامی، ۱۳۷۸، هفت‌پیکر: ۱۹۷)

داستان خضر و موسی (ع)، داستانی قرآنی است که در آیات ۶۰-۸۲ سوره کهف آمده است. در این داستان حضرت موسی (ع) پس از یافتن فردی که قرآن از او با تعبیر «بنده‌ای از بندگان که به او رحمت و علم داده شده» یاد می‌کند، خواستار همراهی با او و آموختن از او شد. روایات، این شخص را حضرت خضر دانسته‌اند. ملاقات این دو در مجمع‌البحرین انجام شد. به نقل روایاتی حضرت موسی (ع) پس از آنکه خداوند نعمت‌های فراوانی به او داد، گمان برد خداوند داننا از او خلق نکرده است؛ به همین جهت خداوند او را به ملاقات خضر (ع) فراخواند. نظامی در بیت زیر به همسفری حضرت موسی و خضر اشاره می‌کند:

ثابت این راه مقیمی بود

همسفر خضر کلیمی بود

(همان، ۱۳۷۸، مخزن‌الاسرار: ۱۶۰)

حضرت نوح (ع)

حضرت نوح (ع) اولین پیامبر اولوالعزم است و مطابق با آیات قرآن کریم، خداوند او را با کتاب و شریعت فرستاد. نام حضرت نوح، ۴۳ بار در قرآن آمده و یک سوره به نام او اختصاص یافته است. آن حضرت ۹۵۰ سال مشغول دعوت قوم خود به توحید و ترک بت‌پرستی بود، اما قومش به او ایمان نیاوردند؛ تا آنکه مأمور به ساختن کشتی شد و پس از اتمام، امر خدای تعالی مبنی بر نزول عذاب و طوفان سهمگین صادر گردید و به جز افرادی که همراه او سوار بر کشتی بودند، همگی هلاک شدند. بعد از آنکه طوفان به دلیل آیه ۷۷ سوره صافات عالم‌گیر شده و مردم روی زمین همه غرق شدند. در خمسه به این واقعه اشاره شده است.

نوح که لب تشنه به حیوان رسید

چشمه غلط کرد و به طوفان رسید

(نظامی، ۱۳۷۸، مخزن‌الاسرار: ۲۸)

در طوفان نوح، نخست آب از تنور پیرزنی جوشیدن گرفت. در قرآن آمده: «فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَ فَازَ التَّنُورُ» (مؤمنون / ۲۷)

در گمان آمدش که این چه فن است؟

اصل طوفان تنور پیرزن است

(نظامی، ۱۳۷۸، هفت‌پیکر: ۱۹۲)

جودی نام کوهی است، که کشتی نوح، پس از پایان طوفان، بر فراز آن نشست. (یاحقی، ۱۳۸۹، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها: ۲۹۶)

«وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (هود/۴۴) نظامی در بیت زیر طی یک جناس زیبا و تشبیهی تفضیلی جود و بخشش را کوه جودی و چه بسا بالاتر از آن مانند کرده است.

ز جودی بگذرد طوفان جودش چو طوفی سوی جود آرد و جودش

(نظامی، ۱۳۷۸، خسرو و شیرین: ۱۹)

حضرت یوسف (ع)

حضرت یوسف (ع)، فرزند حضرت یعقوب (ع) بوده و از پیامبران بنی اسرائیل است. داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن به عنوان «أَحْسَنُ الْقِصَصِ؛ نیکوترین داستان‌ها» معرفی شده است. نام حضرت یوسف (ع) ۲۷ بار در قرآن آمده است. سوره دوازدهم قرآن به نام سوره یوسف است. از باورهای دینی و اسلامی دربارهٔ این حضرت که در خمسه نظامی نیز بدان اشاره شده، موارد زیر است:

یوسف (ع) دارای یازده برادر بود، و تنها با یکی از برادرهایش به نام بنیامین از یک مادر بودند، یوسف از همه برادران جز بنیامین کوچک‌تر، و بسیار مورد علاقه پدرش یعقوب (ع) بود.

وقتی حضرت یوسف خواب خود را برای پدر بازگو می‌کند، نظر تیزبین وی را به خود جلب می‌کند. این موضوع باعث محبت زیاد پدر به یوسف (ع) و موجب حسادت دیگر برادران می‌شود. حضرت یعقوب - علیه السلام - که از حسد برادران یوسف علیه او نگران بود به وی می‌گوید که خوابش را برای برادران تعریف نکنند. «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یوسف/۵) نظامی در منظومهٔ لیلی و مجنون از داستان حضرت یوسف و حسد و کینه برادرانش یاد کرده است:

یوسف که ز ماه عقد می‌بست از حقد برادران نمی‌رست

(نظامی، ۱۳۷۸، لیلی و مجنون: ۴۴)

لذا با فریب و نیرنگ یوسف را در چاه می‌اندازند. در آیات ۱۰ - ۷ سوره یوسف به پیشنهاد یکی از برادران یوسف برای افکندن وی به چاه، به جای کشتن یا افکندنش در سرزمین دوردست اشاره شده است. در ادبیات نیز از این بخش از داستان حضرت یوسف در مضمون‌سازی فراوان استفاده شده است؛ از جمله بیت زیر از خسرو و شیرین نظامی:

وگر در چاه یابی پایه خویش سعادت‌نامه یوسف بنه پیش

(همان، خسرو و شیرین: ۴۱۶)

در قرآن آمده که یعقوب علیه السلام بعد از گم شدن یوسف از غم وی از فرزندان روی برگرداند و از غم چشمانش سفید و دلش داغدار شد. «وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَأَبِصَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْخُرْنِ فَهُوَ كَظِيمٍ» (یوسف / ۸۴) نظامی به داغ یعقوب به سبب فراق از یوسف اشاره کرده است.

چو یوسف گم شد از دیوان دادش
زمانه داغ یعقوبی نهادش

(نظامی، ۱۳۷۸، خسرو و شیرین: ۱۰۸)

در علل الشرایع صدوق و در تفسیر عیاشی و از امام سجاد گزارش شده است که «کان یوسف من أجمل أهل زمانه؛ یوسف زیباترین آفریده است.» (ر.ک: صدوق، ۱۹۹۶ م: ۱ / ۴۵؛ عیاشی، بی تا: ۲ / ۱۷۲) نظامی نیز در مثنوی خسرو و شیرین به زیبایی منحصر به فرد یوسف اشاره کرده است:

چنان مشهور شد در خو بروئی
که مطلق یوسف مصرست گوئی

(نظامی، ۱۳۷۸، خسرو و شیرین: ۴۱)

آیات متعددی از سوره یوسف (۲۲-۳۲) به داستان عشق مادی زلیخا و برخورد یوسف با آن پرداخته است. داستان عشق زلیخا به حضرت یوسف (ع)، بازتاب‌های فراوانی در ادبیات فارسی داشته است. از جمله بیت زیر از نظامی که در آن به ماجرای ترنج نیز اشاره شده است.

چو یوسف زین ترنج ار سرتابی
چو نارنج از زلیخا زخم یابی

(همانجا: ۲۶۱)

زلیخا که بر اثر بی‌اعتنایی یوسف به خواسته‌های نامشروعش، سخت عصبانی بود، با کمال بی‌پروایی در حضور زنان مشهوری که آنها را به کاخ خود مهمان کرده بود اعلام کرد: «اگر این شخص (یوسف) به آنچه دستور می‌دهم، اعتنا نکند، به زندان خواهد افتاد. آن هم زندانی که در آن خوار و حقیر گردد.» (سوره یوسف / ۳۳-۳۴) نظامی درباره ریاضت و چله‌نشینی در جهت پاک شدن جان را به زندان رفتن یوسف مانند کرده است که سبب عزت و شرف وی شد.

جسمت را پاک‌تر از جان کنی
چون که چهل روز به زندان کنی
مرد به زندان شرف آرد به دست
یوسف ازین روی به زندان نشست

(نظامی، ۱۳۷۸، مخزن الاسرار: ۱۰۷)

حضرت یونس (ع)

یونس (ع) از پیامبران بنی اسرائیل است که بعد از سلیمان ظهور کرد. بعضی او را از نوادگان حضرت ابراهیم - علیه السلام - دانسته‌اند. به خاطر اینکه در شکم ماهی قرار گرفت، با لقب «ذوالنون» و «صاحب الحوت» خوانده می‌شد. نام مبارکش در قرآن چهار بار در سوره‌های صافات، نساء، انعام و یونس آمده و یک سوره قرآن (دهم) به نام او است.

حضرت یونس که از طرف خدا مأمور به هدایت قوم خود و دعوت به توحید شد، اما علی‌رغم تلاش بسیار، آنها ایمان نیاوردند و او آنها را ترک کرد. در بین راه سوار بر کشتی شد و به دنبال هجوم نهنگ به کشتی، مسافران قرعه زدند تا یکی از سرنشینان را برای رهایی از نهنگ طعمه آن بکنند. قرعه به نام او افتاد و نهنگ او را بلعید. طبق روایتی از امام صادق (ع) آن حضرت هفت روز در شکم ماهی بود. (ر.ک: مجلسی، ۱۳۹۰: ۱۴ / ۳۹۸) آن حضرت با تسبیح خدا و توسل به ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء / ۸۷) نجات یافت.

وگر کرد ماهی ز یونس شکار
زمین بوس او کرد ماهی و مار

(نظامی، ۱۳۷۸، اقبالنامه: ۸)

نتیجه‌گیری

بررسی باورهای دینی و اسلامی در خمسه نظامی نشان می‌دهد که نظامی شاعری معتقد، مسلمان، آگاه از قرآن و پایبند به اصول اسلامی است. نظامی با قرآن مانوس بوده و موج باورهای دین اسلام و مفاهیم قرآن کریم در همهٔ مثنوی‌های خمسه مشهود است. او در زمینه باورهای اسلامی درک درستی از مبانی قرآنی داشته و پیوند و ارتباط قوی و محکمی با این کتاب مبین الهی برقرار نموده است. همچنین وی با هنرمندی بی‌نظیر این باورهای دینی و اسلامی را با داستان‌های کهن ملی پیوند داده است و ترکیبی نو از آن فراهم آورده است در مدح و وصف و پردازش مفاهیم عاشقانه نیز از این دانش بهره برده است.

منابع

الف - کتاب‌ها

قرآن کریم

آریان‌پور، منوچهر و دیگران، (۱۳۸۵)، فرهنگ انگلیسی به فارسی، تهران: انتشارات جهان‌رایانه.
ابن منظور، محمد بن مکرّم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.

ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل، (۱۴۱۲ق)، **تفسیر القرآن العظیم**، مقدمه دکتر عبدالرحمن المرعشی، بیروت: دارالمعرفه.

امامی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، **لغات در تفسیر نمونه**، قم: امام علی بن ابی طالب (ع).

اوشیدری، جهانگیر، (۱۳۷۱)، **دانشنامهٔ مزدیسنا (واژه‌نامهٔ توضیحی آیین زرتشت)**، چاپ اول. تهران: نشر مرکز. پارسا، محمد، (۱۳۸۳)، **زمینهٔ روان‌شناسی نوین**، تهران: نشر بعثت.

حر عاملی، محمدبن‌الحسن، (۱۴۱۲ق)، **وسائل الشیعه**، جلد ۲۴، قم: ایحال مالسلا مهیلع تیبلا لا هسوسوم : ثارتلا.

حسینی زبیدی حنفی، سید محمد مرتضی، (۱۳۸۵ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دارالهدایه.

دورکیم، امیل، (۱۳۸۳)، **صور بنیانی حیات دینی**، ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۱)، **لغت‌نامه**، زیر نظر محمد معین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

روشبلو، آن ماری ؛ بورفیون، اُدیل، (۱۳۶۱)، **روان‌شناسی اجتماعی**، ترجمه سید محمد دادگران، تهران: نشر مروارید.

سجادی، سید ضیاء‌الدین، (۱۳۸۲)، **فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوار.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (بی‌تا)، **الخصائص الكبرى**، بیروت: دار الکتب العلمیه.

صدوق، محمد، (۱۹۹۶م)، **علل الشرائع**، نجف: المرتبه الحیدریه.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۷)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن، (۱۳۸۴)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، جلد پنجم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

عمید، حسن، (۱۳۷۴)، **فرهنگ عمید**، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

عیاشی، محمد بن مسعود، (بی‌تا) **تفسیر العیاشی**، تحقیق و التعلیق علیه هاشم الرسولی المحلاتی، طهران: المرتبه العلمیه.

فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر الصافی**، تحقیق حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر.

قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، (۱۳۹۰)، **بحار الأنوار**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، (۱۳۷۸)، **اقبال‌نامه**، تصحیح سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: نشر قطره.

_____، (۱۳۷۸)، **خسرو و شیرین**، تصحیح سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: نشر قطره.

_____، (۱۳۷۸)، **شرفنامه**، تصحیح سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: نشر قطره.

_____، (۱۳۷۸)، **لیلی و مجنون، مخزن الاسرار**، تصحیح سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران:

نشر قطره.

_____، (۱۳۷۸)، **هفت پیکر**، تصحیح سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: نشر قطره.

یا حقی، محمدجعفر، (۱۳۸۹)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، چاپ سوم، تهران: نشر فرهنگ معاصر.

ب - مقاله

متولی‌زاده نائینی، حمید، (۱۴۰۰)، «نمود باورهای اسلامی در نقیضه جریر در ردّ اخطل با تکیه بر قرآن»، نشریه مطالعات قرآنی، سال ۱۲، شماره ۴۸، صص ۳۹۶ - ۳۶۱.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: ناجی اشرف، فهیمی رضا، طاهر رحیم، باورهای دینی و اسلامی در خمسه نظامی با تأکید بر قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۳۸-۱۱۷.